

ورود شگفت‌انگیز فاطمه بنت اسد به کعبه/ روایت منابع تشیع و اهل سنت از ولادت امام علی(ع) در خانه خدا



شناسه خبر: ۱۳۲۷۳۴ پنجمین ۵ بهمن ۱۴۰۲ - ۰۹:۰۴

ولادت امیرالمومنین (علیه‌السلام) درون خانه خدا، یکی از فضیلت‌های منحصر به فرد آن حضرت بوده و گزارش‌های متعددی در این زمینه از طریق منابع شیعه و اهل سنت وارده شده است.

به گزارش موج خبر، ولادت امیرالمومنین (علیه‌السلام) در روز جمعه ۱۳ رجب سال ۳۰ عام الفیل درمکه درون کعبه واقع شده است. ولادت درون خانه خدا، یکی از فضیلت‌های منحصر به فرد آن حضرت بوده و گزارش‌های متعددی در این زمینه از طریق منابع شیعه و سنی وارده شده است. گزارش‌های ولادت آن حضرت سطح یکسانی ندارند برخی از این‌ها به اصل ولادت در کعبه نظر دارند دسته‌ای هم با وجود اختلاف در شرح تفصیلی ماجرا، به طور مشترک از ورود فاطمه بنت اسد (سلام‌الله‌علیها) در خانه خدا و ولادت امیرمومنان (علیه‌السلام) در آن، سخن به میان آوردند.

در این نوشتار به بررسی منابع اهل تسنن و تشیع درباره شکافته شدن شگفت‌انگیز دیوار کعبه برای فاطمه بنت اسد در وقت این ولادت می‌پردازیم.

منابع اهل تسنن

در میان منابع سنیان، ابن مغازلی (۴۸۳ ق) به سندش بخشی از مطلب را با ابهام از امّ عماره - دختر عباد بن نضله ساعدی - چنین نقل کرده است:

روزی در میان گروهی از زنان عرب حضور داشتم ناگهان دیدم ابوطالب به همراه همسرش فاطمه می‌آید، ولی نگران و غمگین است. علت را پرسیدم. گفت: فاطمه دختر اسد را شرایط دشوار زایمان در پیش است [و از شدت ناراحتی] دست‌هایش را بر صورت نهاد [تو گویی در فکر چاره است]. در همین حال محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، از راه رسید و از ناراحتی عمویش پرسید. ابوطالب مطلب یاد شده را در پاسخ وی بازگفت. آن‌گاه محمد، دست عمویش را گرفت و با همراهی فاطمه نزد کعبه رفتند. سپس فاطمه را به گونه‌ای در کعبه جای دادند و کودکش تولد یافت. [این کودک پسر بود] پسری که در شادابی و زیبارویی، همانندش را ندیدم. زان پس ابوطالب این کودکش را «علی» نامید و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز آن کودک را در برگرفت و به منزلشان برد. (۱)

موصلی شافعی (۶۵۷ ق) نیز در این خصوص این تعبیر را آورده است «و کان مولده فی الکعبه المعظمه - و لم یکن بها سواه - فی طلقه واحده؛ (۲)

یعنی تولدش در کعبه در یک زایمان ناگهانی رخ داد. و در حالی که در آن‌جا کسی جز او متولد نشد». این تعبیر، بیانی کنایی است که به «ورود ناگهانی و شگفتانه فاطمه بنت اسد به کعبه در وقت تولد امیر مؤمنان (علیه السلام)» اشاره دارد.

سبط بن جوزی (۶۵۴ ق) با صراحت بیشتر این ورود به کعبه را از راه در آن دانسته که به صورت غیر عادی برای فاطمه دختر اسد گشوده شده است (۳)

تعبیرهای کنایی و با ابهام این منابع در این خصوص نشان می‌دهد که این گزارش به صورت شفاف در آثار و مآخذ نخست غالب سنیان یعنی در دوران نخست اسلام وجود داشته و به تدریج دست‌خوش تغییر و ابهام شده است. مؤید این سخن گزارش بخشی از راویان اهل سنت است که این خبر را با شفافیت نقل کرده‌اند؛

سفیان بن عیینه (۱۰۷ - ۱۹۸ ق) که از راویان نامدار حجاز در دوره‌های اول اسلام در منابع سنیان به شمار می‌آید به نقل از نخستین نسب‌نگار عرب، ابن شهاب زهری (۱۲۴ ق) و او از عایشه همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ورود شگفت‌انگیز فاطمه دختر اسد به کعبه را با صراحت نقل کرده است؛ چنان‌که شعبه (۸۳ - ۱۶۰ ق) از قتاده (۶۰ - ۱۱۷ ق) از انس بن مالک (م ۹۳ ق) و او از عباس بن عبد المطلب هم این ورود شگفت‌انگیز را روایت کرده و گفته است: وقتی فاطمه بنت اسد به کنار کعبه آمد و آن شرایط بحرانی را داشت از خدای بزرگ درخواست گشایش کرد که ناگهان دیوار کعبه شکافته شد و فاطمه وارد کعبه شد و دیوار به هم آمد و پس از سه روز در حالی که پسرش علی (علیه السلام)

را در دست داشت بیرون آمد.

محمد بن احمد بن حسن بن شاذان (زنده در ۴۱۲ ق) نیز این مطلب را در کتاب خود به ثبت رسانده که به دست شیخ طوسی و پس از او به دست ابن شهر آشوب رسیده است (۴)

با این همه، پرسشی که مطرح است این که چرا این گزارش امروزه در بسیاری از منابع کهن سنیان موجود نیست؟ چه عوامل و انگیزه‌هایی سبب شد که این مطلب در این منابع به دست نیاید؟ این مطالب در چه دوره‌هایی از تاریخ از این منابع حذف شده‌اند؟ پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند پژوهشی تاریخی است که مجالی دیگر می‌طلبد.

منابع اهل تشیع

در منابع کهن شیعیان، تعداد فراوانی به نقل این حادثه پرداخته و ورود شگفت‌انگیز فاطمه دختر اسد به کعبه را به درستی نقل کرده‌اند.

نخستین کسی که این مطلب را با سند ثبت کرده شیخ صدوق در سه کتاب خویش است (۵)

غیر از او نیز شیخ طوسی، فتال نیشابوری، عماد الدین طبری (زنده در ۵۵۳ ق)، ابن شهر آشوب، إربلی، محمد بن حمزه طوسی (قرن شش ق) علامه حلی و... (۶) به ثبت آن همت نهاده‌اند.

صدوق این گزارش را با سند خویش (۷) از سعید بن جبیر و او از یزید بن قعنب (یا قعیب) چنین نقل کرده است:

روزی با عباس پسر عبدالمطلب و گروهی از خاندان عبدالعزی در برابر بیت الله الحرام نشسته بودیم که فاطمه دختر اسد بدان جا آمد و این در حالی بود که نه ماه از بارداری وی به امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌گذشت و درد زایمان داشت. فاطمه رو به کعبه کرد و از خدایش چنین درخواست کرد: «پروردگارا به تو، به پیامبران و کتاب‌های فرو فرستاده تو ایمان دارم و سخنان جدم ابراهیم خلیل را که این خانه را بنیان نهاد تصدیق می‌کنم، پس تو را به حق بنیانگذار این خانه و حق این کودک که به او باردارم، سوگند می‌دهم که تولدش را بر من آسان گردانی».

یزید بن قعنب می‌گوید: در پی این سخنان فاطمه مشاهده کردیم که دیوار قسمت پشت کعبه باز شد و فاطمه به درون آن

شتافت و دیوار به هم آمد. ما [با شگفتی] تلاش کردیم در ورودی کعبه را بگشاییم، لیکن قفل آن باز نشد. پس دانستیم که این کار به خواست و اراده الهی بود آن خانم پس از چند روز (سه یا چهار روز) بیرون آمد و در حالی که امیر مؤمنان (علیه السلام) را در دست داشت، می گفت: من از تمامی زنان گذشته برترم؛ چرا که آسیه، دختر مزاحم، خدا را در پنهانی در جایی پرستید که پرستش خدا در آن جا، جز به ناچاری روا نیست و مریم دختر عمران نخل خشک را به دست خود جنبانید تا توانست از خرما ی تازه آن برچیند و بهره بگیرد و من به «خانه محترم خدا» راه یافتم و از میوه های بهشتی و بر و بارش بهره جستم و چون خواستم بیرون آیم، آوازی برآمد: ای فاطمه نام این کودک را «علی» بگذار و خدای اعلی می گوید: من این نام را از نام خود برگرفتم و او را به ادب خود آراستم و راز علم خود را به وی آموختم و هموست که بت های به دور خانه ام را بشکند و برچیند و بر بام خانه ام بانگ اذان سر دهد و تقدیس و تمجید مرا گوید. خوشا بر محبان و پیروان او و بدا بر دشمنان و نافرمانان او. (۸)

شیخ طوسی همین گزارش را از محمد بن احمد بن حسن بن شاذان (۹) نقل کرده و او با سه سند متفاوت به ثبت آن پرداخته است و همگی این سندها غیر از سند و راویانی است که گزارش صدوق بر آن تکیه دارد. سه سند متفاوتی که ابن شاذان به آن ها استناد دارد، یکی به عایشه و دیگری به انس بن مالک و عباس بن عبدالمطلب، و سند سوم به امام صادق (علیه السلام) می انجامد. آن بزگوار نیز از اجداد گرامی خود از عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این مطلب را نقل کرده است. (۱۰)

همچنین عماد طبری این موضوع را از شیخ صدوق با سند پیش گفته ی وی ثبت کرده است. (۱۱)

ابن شهر آشوب نیز با مدارک و منابعی که در اختیار داشته به ثبت این گزارش پرداخته و آن را از سه طریق نقل کرده است، در پایان طریق اول او، یزید بن قعنب و جابر بن عبد الله انصاری جای دارند و در طریق دوم به ترتیب از طریق شعبه، قتاده و انس بن مالک از عباس بن عبدالمطلب نقل می کند و در طریق سوم از حسن بن محبوب به امام صادق (علیه السلام) راه می یابد، آن گاه اشعاری را برای تأیید، نقل میکند که شاعران کهن صدر اسلام چون سید حمیری (۱۷۳ ق) محمد بن منصور سرخسی (قرون دوم) و... در این خصوص سروده اند و سرانجام نتیجه می گیرد علی (علیه السلام) تنها مولودی است که در برترین سرزمین و برترین مسجد و با شرافت ترین جای آن (در زاویه سمت راست درون کعبه) در سید ایام هفته (روز جمعه) تولد یافته و در این ویژگی همانندی ندارد. (۱۲)

نتیجه

از مجموع این گزارش‌ها چنین برمی‌آید که اگر کسی درباره برخی از روایانی که در این اسناد جای دارند، دغدغه داشته باشد، همه آنان را نمی‌تواند مخدوش بداند و از این فراوانی روایان و طرق، علم اجمالی به دست می‌آید که یگانه مولود کعبه بودن حضرت علی (علیه السلام) و ورود شگفت‌انگیز مادرش به کعبه در وقت تولد او، از مسلمات تاریخ بوده و در آن تردیدی نیست؛ چنان‌که حاکم نیشابوری به متواتر بودن گزارش اصل تولد آن گرامی در کعبه تصریح کرده و به گفته علامه امینی، آلوسی سنی مذهب هم آن را از مطالب معروف دنیا دانسته است. (۱۳)

آری گو این‌که خدای بزرگ بدین طریق ندای همگانی داده که مدیریت کعبه باید آهنگی دیگر در پیش گیرد و کعبه از این پس، بت‌ها را در درون خود جای نخواهد داد و این مولود، همان کسی است که با صعود بر کتف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کعبه را از بت‌ها پاک می‌کند و کعبه پس از این، معبد مسلمانان جهان خواهد گشت.

گفتنی است محقق ژرف‌نگر محمد علی اردوبادی در خصوص این موضوع تحقیق ارزشمندی ارائه داده و نام آن را علیّ ولید الکعبه نهاده است. وی در این کتاب، گزارش ولادت امیر مؤمنان (علیه السلام) در کعبه را از زوایای گوناگون بررسی کرده است؛ اهتمام گزارش‌گران شیعه و اهل سنت به آن، تواتر خبر، معروف بودن آن نزد مسلمانان و غیر مسلمانان، حتی اهتمام شاعران به این موضوع در سروده‌های خود، بررسی این حدیث از نگاه نسب‌شناسان و تاریخ‌نگاران، از موضوع‌هایی است که در این کتاب ارزیابی شده است. (۱۴)

شاگرد وی، علامه امینی در پژوهش عمیق خود بیش از بیست کتاب از سنیان و بیش از هفتاد کتاب از منابع کهن و متوسط شیعیان نام برده که مؤلفان آن‌ها به این موضوع پرداخته‌اند. (۱۵)

در پایان مناسب است این سروده زیبا در این‌جا آورده شود:

چو کعبه دید مادرش، به احترام جدش شکافت در برابرش، شکوه و عزّ و فر نگر

به کعبه زادگاه او، خداست تکیه‌گاه او به اولین نگاه او، به بهترین بشر نگر

حقیقت محمدی، منزّه از همه بدی ظهور نفس احمدی، به پیکری دگر نگر

به کعبه آن ولیّ حق، سپید چهره چون فلّاق «تبارک الذی خَلَقَ» جمال این پسر نگر

چو نفس پاک مصطفی، بود علی مرتضی ظهور «شمس» و «الضحی» به روی این قمر نگر

حبیب چایچیان (حسان)

منبع: کتاب باز پژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام / یدالله مقدسی / نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

(۱) ابن المغازی، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۶-۷، ابن بطریق شیعی نیز در کتاب عمده عیون صحاح الأخبار، صفحه ۷۱ همین روایت را با همین سند از ابن مغازی ثبت کرده است.

(۲) موصلی شافعی، النعم المقیم لعره النبأ العظیم، ص ۵۵، باب ۲، فصل ۱

(۳) سبط بن جوزی، تذکره الخواص، ص ۱۰،

(۴) طوسی، الأمالی، ص ۷۰۶-۷۰۷ و ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۹۸،

(۵) صدوق، معانی الأخبار، ص ۶۲، ح ۱۰ و علل الشرایع، باب ۱۱۶، ح ۳ و أمالی، مجلس ۲۷، ح ۹،

(۶) طوسی، الأمالی، ص ۷۰۶-۷۰۹ و فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۷۶ و عماد الدین طبری، بشاره المصطفی، ص ۲۶-۲۷، ح ۱۰، ص ۸۲ و الثاقب فی مناقب آل ابی طالب، ص ۱۹۷ و کشف الیقین، ص ۱۷ و راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۷۱ و مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۸،

(۷) در سند این گزارش، نام افراد زیر به ترتیب ثبت شده است:

علی بن احمد دقاق از شاگردان کلینی و از استادان صدوق بود که صدوق نزد او بهره‌ها برده، روایت‌های فراوانی از او نقل می‌کرد و برای او از خدا درخواست رحمت و رضوان الهی می‌کرد. او در طریق صدوق تا محمد بن سنان جای دارد (معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۵۵، شماره ۷۹۰۷ و نمازی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۵، شماره ۹۶۷۳ و ۹۶۸۲).

محمد بن جعفر بن عون اسدی به ابوالحسین (۳۱۲ ق) ثقة و معتبر است (معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۱۶۵ - ۱۶۹، شماره ۱۰۳۸۴ و من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۷۶).

موسی بن عمران نخعی [در سند روایت‌های کامل الزیارات جای دارد و همین نشانه اعتبارش است] او از عموی خود حسین بن یزید نوفلی روایت نقل می‌کرد (معجم رجال الحديث، ج ۱۹، ص ۶۰ - ۶۱؛ شماره ۱۲۸۱۸).

حسین بن یزید نوفلی از راویان ادب‌دان و شاعر بود و آثار قلمی داشت و نام وی در ردیف راویان کامل الزیارات آمده است [که نشانه اعتبارش است]. شیخ طوسی و برقی او را در ردیف یاران امام رضا (علیه السلام) نام برده‌اند (معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۱۱۳، شماره ۳۷۰۵). محمد بن سنان مکنی به ابوجعفر زاهری (۲۲۰ ق) که دیدگاه‌ها درباره او مختلف است. بالأخره وی از باورمندان به اهل بیت (علیهم السلام) و از اصحاب سرّ سه امام کاظم، رضا و جواد (علیه السلام) بود. شیخ طوسی او را ممدوح، حسن الطریقه دانسته و مفید نیز او را موثق دانسته است. هر چند برخی از رجالیان عمل به روایاتش را دشوار دانسته‌اند (معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۱۶۰)، لیکن با ریشه‌یابی در مخالفت‌ها با وی می‌توان گفت: او بدان جهت که از اصحاب سرّ امامان یاد شده بود، مطالب پرمغز و سنگینی را نقل می‌کرده که هضم آن برای همگان دشوار بود؛ بنابراین این مطالب موجب ضعف وی نخواهد بود، بلکه او مورد اعتماد است (ر. ک به: علی پیرخادم «بررسی توصیف رجالی محمد بن سنان» ص ۶۷ - ۷۹).

ابو عبدالله مفضل بن عمر (بن مفضل جعفی)، از راویان دو امام صادق و کاظم (علیه السلام) و صاحب فکر و اندیشه بود. رجالیان درباره وی دیدگاه‌های پراکنده دارند؛ مرحوم مفید وی را مورد اعتماد دانسته است، مرحوم خویی پس از نقل دیدگاه‌های مختلف درباره او نتیجه می‌گیرد که وی از شخصیت‌های بزرگ علمی و از خواص یاران امام صادق (علیه السلام) بود و این مطلب از روایت‌های فراوان او به دست می‌آید و موجب علم اجمالی به صحت آن‌ها نیز هست و کتاب توحید مفضل یکی از این نشانه‌ها است که نجاشی از آن به کتاب فکر تعبیر کرده است (معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۲۹۲ - ۳۰۵، شماره ۱۲۵۸۶).

ثابت بن دینار مکنی به ابوحمزه ثمالی و سعید بن جبیر هر دو در اعتبار، همانند شمس فی رائحه النهار هستند.

(۸) صدوق، معانی الأخبار، ص ۶۲، ح ۱۰ و علل الشرایع، باب ۱۱۶، ح ۳ و أمالی، مجلسی ۲۷، ح ۹،

(۹) ابوالحسن محمد بن احمد بن حسن بن شاذان قمی (زنده در ۴۱۲ ق) از خاندان منتسب به علم و خواهرزاده، عالم بزرگ جعفر بن محمد بن قولویه (مؤلف کتاب کامل الزیارات) بود. وی از محضر عالمان بزرگی چون شیخ صدوق، شیخ مفید و...

بهره علمی گرفته و به فقاہت و درایت دست یافت و عالمانی چون کراجکی را نیز پرورانید که از وی معارف و حدیث آموختند. نام وی در مشار راویان و نگارندگان معارف اهل بیت (علیه السلام) جای دارد که کتاب‌هایی نیز در این خصوص نگاشته است. کتاب ایضاح دقائق النواصب و مأه منقبه از جمله آن‌ها است. غیر از شیخ طوسی مؤلفان بزرگ دیگری چون ابن طاووس، ابن شهر آشوب و... از روایت‌ها و کتاب‌های ابن شاذان بهره جستند (مأه منقبه، ص ۵ - ۱۰ (مقدمه) و نمازی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۴۲۸)

(۱۰) شیخ طوسی، الأمالی، ص ۷۰۶

(۱۱) عماد طبری، بشاره المصطفی، ص ۲۶ - ۲۷، ح ۱۰

(۱۲) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۹۷ - ۲۰۰

(۱۳) علامه امینی، الغدیر، ص ۳۹

(۱۴) علیّ ولید الکعبه.

(۱۵) الغدیر، ج ۶، ص ۳۹ - ۵۷

انتهای پیام/